

سنجش ارتباط عوامل نگهدارنده با کاهش انگیزه دانشجویان

کارشناسی زبان و ادبیات عربی بر اساس نظریه هرزبرگ

نوع مقاله: پژوهشی

زهرا مهدوی مهر^{۱*}، عبدالله حسینی^۲، سید عدنان اشکوری^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۳

چکیده

یکی از نظریه‌های مهم در زمینه انگیزه، نظریه دو عاملی بهداشتی - انگیزشی هرزبرگ است. این نظریه، مجموعه عواملی را که منجر به عدم نارضایتی می‌شوند، عوامل بهداشتی یا نگهدارنده و عواملی را که سبب ایجاد انگیزه می‌شوند، عوامل انگیزشی می‌نامد و معتقد است که عوامل انگیزشی منجر به افزایش رضایت می‌شوند، اما عوامل نگهدارنده صرفاً منجر به کاهش نارضایتی می‌شوند و وجود آنها ممکن است در افزایش انگیزه تأثیری نداشته باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط عوامل نگهدارنده با کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی بوده است. بر اساس این نظریه، عوامل نگهدارنده در محیط‌های آموزشی عبارتند از: مواد آموزشی، اساتید، مشاوره شغلی مناسب و امکانات دانشگاهی. برای این پژوهش ۳۰ دانشجو از دانشجویان ترم‌های دوم و سوم کارشناسی زبان و ادبیات عربی دانشگاه مازندران و دانشگاه خوارزمی، با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌ای شامل ۳۰ سؤال که مرتبط با عوامل مذکور بوده است، در اختیار آنها گذاشته شد تا پاسخ دهند. این پژوهش با شیوه توصیفی تحلیلی رابطه عوامل ذکر شده را با کاهش انگیزه دانشجویان بررسی کرده است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، من-ویتنی مقایسه میانگین و آزمون ناپارامتری کروسکال والیس در نرم افزار SPSS استفاده شده و نتایج نشان داده است که میان همه عوامل ذکر شده و کاهش انگیزه دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد و از این عوامل، «عدم مشاوره شغلی مناسب» بیشترین اثرگذاری را بر کاهش انگیزه داشته و کمترین اثرگذاری مربوط به عامل «ضعف امکانات دانشگاهی» بوده است.

کلید واژه ها: کاهش انگیزه، نظریه هرزبرگ، دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات عربی، مشاوره شغلی، امکانات دانشگاهی

۱. مقدمه

با وجود این که زبان عربی به فرهنگ ایرانی، دینی و اسلامی ما بسیار نزدیک است و بسیاری از دانشجویان، علاقمند به یادگیری این زبان هستند، شواهد نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر اقبال برای انتخاب رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌ها رو به کاهش بوده است و حتی بسیاری از دانشجویان این رشته پس از مدتی، با کاهش انگیزه مواجه می‌شوند. از طرفی در برخی از دانشگاه‌های غیر دولتی همچون آزاد، پیام نور و غیرانتفاعی، این رشته مخصوصاً در مقطع کارشناسی منحل شده یا در حال انحلال است. برخی از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی نیز پس از گذراندن چند ترم یا حداقل گذراندن مقطع کارشناسی، اقدام به تغییر رشته می‌کنند یا از ادامه تحصیل در این رشته منصرف می‌شوند یا توانایی فعالیت در عرصه‌های مربوط به این رشته را کسب نمی‌کنند.

عوامل کاهش انگیزه و ضعف دانشجویان عربی دلایل مختلفی دارد که از جمله آنها می‌توان به وضعیت کتاب‌های درسی، وضعیت گروه‌های عربی در دانشگاه‌ها، شیوه‌های تدریس و جایگاه زبان عربی نسبت به رشته‌های دیگر اشاره کرد (رسولی، ۱۳۸۴: ۴۷).

در سال‌های اخیر نظریه‌ها و طبقه‌بندی‌های متعددی در خصوص انواع انگیزه مطرح شده است. یکی از نظریه‌های مهم که ابتدا در زمینه‌های شغلی مورد توجه بسیار قرار گرفت، نظریه دو عاملی هرزبرگ^۱ است. مبحث اصلی تئوری دو عاملی هرزبرگ، تفکیک دو گروه از عوامل انگیزشی شامل عوامل بهداشتی (نگهدارنده) و انگیزشی است. طبق این نظریه، عوامل انگیزشی منجر به افزایش رضایت شغلی می‌شوند، اما عوامل بهداشتی یا نگهدارنده صرفاً منجر به کاهش نارضایتی شغلی می‌شوند و وجود آنها حتماً ایجاد انگیزه نمی‌کند (عموزاد و رضوی، ۱۳۸۹: ۲۹).

این نظریه به تدریج به زمینه‌های آموزشی نیز تعمیم یافت. تحقیقات بسیاری بر این نظریه انجام شد و ثابت کرد که وجود عوامل نگهدارنده نه تنها سبب کاهش نارضایتی می‌شوند، تا حد زیادی در ایجاد انگیزه نیز مؤثرند. عوامل بهداشتی یا نگهدارنده در محیط‌های آموزشی که

^۱. Herzberg's two factor theory of motivation

نقش بسیاری در کاهش نارضایتی دارند عبارتند از: مواد آموزشی، اساتید، امکانات آموزشی و مشاوره شغلی مناسب.

پژوهش حاضر با تکیه بر این نظریه مهمترین علل افزایش نارضایتی و به عبارت دیگر کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی را بررسی کرده و درصدد پاسخ به سؤالات زیر بوده است:

- ۱- مواد آموزشی و واحدهای درسی چه میزان در کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی مؤثر است؟
- ۲- اساتید چه میزان و به چه دلایلی در کاهش انگیزه این دانشجویان مؤثرند؟
- ۳- عدم مشاوره شغلی مناسب به دانشجویان، چه میزان در کاهش انگیزه آنها مؤثر است؟
- ۴- امکانات دانشگاه چه میزان در کاهش انگیزه دانشجویان تأثیرگذار است؟
- ۵- کدام عامل یا عوامل بیشترین تأثیرگذاری و کدام یک تأثیرپذیری کمتری در کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات عربی دارند؟

۲- پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر مقالات مختلفی درباره مشکلات آموزشی زبان عربی در مدارس و دانشگاه‌های ایران منتشر شده است. از جمله مقالات علمی-پژوهشی که به این مهم پرداخته‌اند عبارتند از:

- رسولی، حجت (۱۳۸۴)، در مقاله «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران»، ضعف فارغ‌التحصیلان این رشته را مورد تحلیل قرار داده است. او به مشکلاتی همچون نحوه پذیرش دانشجو، پذیرفته شدن دانشجویان ضعیف‌تر در این رشته، ضعف و ناکارآمدی برخی اساتید گروه‌های عربی، نبود امکانات کافی برای یادگیری زبان عربی و جایگاه نامناسب رشته زبان و ادبیات عربی در ایران اشاره کرده است. او پیشنهاد گرایشی شدن این رشته در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را مطرح کرده است.

- نورسیده، علی‌اکبر و یعقوبی‌زاده، ملیحه (۱۳۹۴) در مقاله «به توانی مهارت‌های دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی از طریق بازتعریف برنامه درسی دوره کارشناسی» نقص سرفصل دروس دوره کارشناسی و شیوه‌های تدریس را از عوامل اصلی عدم تربیت نیروهای

متخصص در این رشته ذکر کرده و با توجه به سرفصل‌های رشته زبان و ادبیات فرانسه درصدد ارائه یک الگوی برتر برای سرفصل‌های رشته عربی برآمده‌اند.

- متقی‌زاده، عیسی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله «تحلیل و بررسی عوامل ضعف دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی در مهارت‌های زبانی از دیدگاه استادان و دانشجویان این رشته» به عوامل ضعف دانشجویان در مهارت‌های زبانی اشاره کرده و مهمترین آنها را بی‌نشاطی دانشجویان، روش‌های نامناسب تدریس، فقدان بسته‌های آموزشی مناسب و ناکارآمدی کلاس‌های آزمایشگاه زبان دانسته‌اند.

پژوهش حاضر با پژوهش‌های فوق کاملاً متفاوت است و به طور خاص علل کاهش انگیزه دانشجویان را بر مبنای نظریه هرزبرگ بررسی کرده‌است و با در نظر گرفتن این‌که انگیزه نقش انکارناپذیری در یادگیری و تحصیل دارد، سعی کرده‌است به عوامل نگهدارنده یعنی عواملی که پس از ورود دانشجویان به رشته زبان و ادبیات عربی سبب کاهش انگیزه آنها می‌شود، بپردازد. به عبارت دیگر، چرا با وجود این‌که برخی، رشته زبان و ادبیات عربی را برای تحصیل در دانشگاه انتخاب می‌کنند یا در این رشته پذیرفته می‌شوند، پس از چند ترم با کاهش انگیزه مواجه شده و اقدام به تغییر رشته می‌نمایند یا از ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر منصرف می‌شوند.

لذا اهمیت این پژوهش از این حیث است که اولاً بر اساس جستجوهای انجام شده هیچ پژوهشی در ایران بر مبنای نظریه هرزبرگ در زمینه‌های آموزشی انجام نشده‌است. ثانیاً با شناخت عوامل کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی این رشته، امید می‌رود گروه‌های عربی در دانشگاه‌ها موفق‌تر از قبل شده و شاهد فارغ‌التحصیلانی با انگیزه و موفق باشیم که در زمینه آموزش و پژوهش در زبان عربی فعالیت‌های مناسبی ارائه دهند.

۳. مباحث نظری پژوهش

۳-۱. انگیزه و تأثیر آن بر آموزش

موضوع انگیزش پیشینه‌ای کهن دارد، اما از زمانی که داروین در اواسط قرن ۱۹، نظریه تکامل خود را مطرح کرد که چگونه موجودات زنده راه تکامل را طی می‌کنند، برداشت‌های مختلفی از نظریه او شد که با انگیزش ارتباط پیدا کرد. برای نخستین بار در پایان قرن ۱۹ با بررسی‌های

علمی که فروید دربارهٔ انگیزش مطرح کرد، نقطهٔ عطفی در طرح مسائل مربوط به انگیزش به وجود آمد (عسکریان و باقری، ۱۳۹۱: ۱۳). انگیزه به عبارت ساده یعنی چراغهای رفتار که موجب آغاز و ادامهٔ فعالیت می‌شوند و جهت کلی رفتار هر فرد را تعیین می‌کنند (رضائیان، ۱۳۸۹: ۹۲). انگیزه در یادگیری زبان دوم نقش زیادی دارد تا جایی که می‌توان آن را ملاکی برای موفقیت یا شکست برای یادگیری زبان دوم به شمار آورد (الخوانده و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۹۱). علی‌رغم اختلاف نظری که میان روانشناسان در این باره وجود دارد، اما همواره بر دو نکته تأکید می‌کنند: ۱. انگیزه، احساسات یادگیرنده را برمی‌انگیزد ۲. علت شکست در یادگیری، نبود انگیزه در فرد است (صدقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲). اصولاً وقتی تحت فشار و استرس، بدون انگیزه، خجالتی و ناراحت هستیم نمی‌توانیم چیزی را یاد بگیریم و افرادی که به موفقیت‌هایی در برقراری ارتباط با زبان دوم دست یافته‌اند، از جمله افرادی‌اند که انگیزهٔ بیشتری برای یادگیری دارند (بول، ۱۳۹۵: ۲۵۳، ۲۵۸). انگیزه نیروی مهمی است که میزان توان و نیز زمانی را که زبان‌آموز صرف یادگیری می‌کند، تعیین می‌نماید. البته انگیزه، عوامل بسیاری از جمله نیاز به موفقیت در یادگیری زبان، نیاز به برقراری ارتباط اجتماعی و به کارگیری زبان دوم به عنوان ابزار ارتباط در فرصت‌های حرفه‌ای و شغلی را شامل می‌شود (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۱: ۲۹۶). به بیان ساده‌تر، «انگیزه، داشتن یک نیاز جسمانی یا نیاز روانی و اجتماعی است که شخص را برای نیل به هدف به حرکت وامی‌دارد تا در اثر دست‌یابی به هدف خویش احساس رضایت نماید. میزان و نوع انگیزه در کیفیت و کمیت فرایند یادگیری نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و معلم زبان در ایجاد انگیزهٔ زبان‌آموزان نقش عمده‌ای ایفا می‌کند» (گرجیان، ۱۳۷۲: ۲۰).

در سال‌های اخیر نظریه‌ها و طبقه‌بندی‌های متعددی درخصوص انواع مختلف انگیزه مطرح شده‌است. گاردنر^۲ و لمبرت^۳ جزء اولین کسانی بودند که بحث‌هایی دربارهٔ انگیزه در یادگیری زبان دوم مطرح کردند. آنان به دو نوع اصلی انگیزه تحت عناوین «انگیزهٔ ابزاری» و «انگیزهٔ سازگاری» اشاره کردند. در انگیزهٔ ابزاری، هدف زبان‌آموز صرفاً مرتبط با پیشرفت‌های

1. Yule

2. Gardner

3. Lambert

اجتماعی و شخصی مانند پیشرفت شغلی است، اما هدف از انگیزه سازگاری، آشنایی هرچه بیشتر با فرهنگ، سنت و هویت کاربران زبان مقصد است (گاردنر و لمبرت، ۱۹۷۲: ۵۵-۷۰).

از طبقه‌بندی‌های دیگر انگیزه، می‌توان به «انگیزه درونی» و «انگیزه بیرونی» اشاره کرد. فعالیت‌های دارای انگیزه درونی، آنهایی هستند که در مقابل انجام آن، هیچ پاداش ظاهری جز خود فعالیت وجود ندارد و افراد برای خودشان و نه پاداش بیرونی به آن فعالیت دست می‌زنند. رفتارهای دارای انگیزه درونی عمدتاً احساس توانش و اراده فرد را به دنبال دارد، اما رفتارهای دارای منشأ انگیزه بیرونی، با انتظار دریافت پاداش از بیرون و غیر از خود شخص انجام می‌شود (براون^۱، ۱۳۹۲: ۲۶۴). بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انگیزه‌های درونی در تحریک انسان و تشویق او در یادگیری، مؤثرتر و ماندگارتر از انگیزه‌های بیرونی است؛ زیرا انگیزه‌های بیرونی به عامل بیرونی بستگی دارد و با پایان یافتن آن، در مدت کوتاهی به پایان می‌رسد (مدکور و همکاران: ۲۰۱۰: ۱۲۱). طبق نظریه دسی^۲ و ریان^۳ در مقابل رفتارهایی با انگیزش درونی، رفتارهایی با انگیزش بیرونی نیز وجود دارد که برای کسب یک هدف ابزاری مانند کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه انجام داده می‌شود (حسن زاده و مهدی نژاد گرجی، ۱۳۹۳: ۴۱).

از حوزه‌های دیگری که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران بوده است بررسی روش‌های ایجاد انگیزه است. به عنوان مثال دورنیه^۴ و سیزر^۵ چند عامل کلیدی را برای افزایش انگیزه بیان می‌کنند که از آن میان می‌توان به «ایجاد محیط خوشایند و صمیمانه در کلاس»، «ایجاد ارتباط مناسب با زبان آموزان و تشویق تلاش‌های آنان»، «دادن اعتماد به نفس به زبان‌آموزان از طریق شرکت دادن آنها در بحث‌های کلاس»، «استفاده از روش‌های متنوع در تدریس» و «هدف-مند کردن یادگیری» اشاره کرد (دورنیه، ۲۰۰۶: ۱۲۲-۱۳۸؛ دورنیه و سیزر، ۱۹۹۸: ۲۱۵-۲۱۷).

نظریه پردازان بر نقش معلم نیز به عنوان یک نقش اساسی در ایجاد انگیزه و افزایش آن تأکید دارند. ژیرار^۶ معتقد است که معلمان می‌توانند با استفاده از تکنولوژی روز که در تمام

1. Brown

2. Deci

3. Ryan

4. Dornyei

5. Csizer

6. Girard

شئون زندگی بشر نفوذ کرده است، کارکردهای زبان مورد نظر را به زبان آموزان یادآوری کنند تا انگیزه آنان را برای یادگیری بالا برند (ژیوار، ۱۳۶۵: ۱۴).

۳-۲. نظریه هرزبرگ

نظریه دو عاملی رضایت شغلی هرزبرگ^۱، نتیجه یک تحقیقات چندین ساله بوده است که دلیل آن، شیوع شاخص‌های نارضایتی شغلی مانند اعتصاب‌ها و شکایت‌ها بود. پیش از هرزبرگ اعتقاد بر این بود که چنانچه سلسله عواملی برای کارکنان تأمین شود، باعث احساس رضایت در آنها می‌شود تا مطابق نظر سازمان عمل کنند؛ یعنی وجود این سلسله عوامل موجب انگیزش و نبود آنها برابر با عدم انگیزش است، اما هرزبرگ خلاف این نظر را ثابت کرد. هرزبرگ و همکارانش یک فرضیه اولیه ارائه دادند که رضایت و عدم رضایت نمی‌تواند روی یک پیوستار یکسان اندازه‌گیری شود. آنها پس از انجام آزمایش‌ها و برنامه‌های تجربی و عملی، این فرضیه را گسترش دادند و نظریه سنتی انگیزش را مردود دانستند. مدیران پیش از هرزبرگ تصور می‌کردند که انگیزش و فقدان انگیزش روی یک پیوستار در برابر هم قرار دارند، اما هرزبرگ به این نتیجه رسید که دو دسته از عوامل در انگیزش تأثیر دارند: ۱. عوامل بهداشتی^۲ یا نگهدارنده که باعث ایجاد انگیزه نمی‌شوند، بلکه صرفاً از نارضایتی جلوگیری کرده و وضعیت موجود را حفظ می‌کنند. به عبارت دیگر، اگر سطح کافی از این عوامل در اختیار کارکنان وجود داشته باشد، آنها را از بی‌انگیزه شدن حفظ می‌کند. ۲. عوامل انگیزشی^۳ که تأثیر مثبت بر رضایت شغلی دارند و اغلب باعث افزایش بهره‌وری می‌شوند (اعتباریان و کشت‌کار رجبی، ۱۳۹۷: ۱۲۳-۱۲۶).

فردریک هرزبرگ در سال ۱۹۵۹ تئوری دو عاملی بهداشتی-انگیزشی را مطرح کرد. به اعتقاد وی، دو احساس رضایت و نارضایتی متضاد هم نیستند. به بیان دیگر، متضاد رضایت، نارضایتی نیست، بلکه نبود رضایت است و متضاد نارضایتی، رضایت نیست، بلکه نبود نارضایتی است (گلچین و قربانی، ۱۳۷۵: ۱۰۹).

^۱ Herzberg's two factor theory of job satisfaction

^۲ Hygiene factors

^۳ Motivating factors

تئوری هرزبرگ به تدریج در محیط‌های آموزشی نیز مورد توجه و بررسی قرار گرفت. به عنوان مثال، در آمریکا این نظریه برای بررسی رضایت و انگیزش دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از داده‌های ضمنی و تئوری دو عاملی هرزبرگ، میزان رضایت دانشجویان بررسی شد. بدین منظور از مدل تعدیل‌شده کیونی^۱ و یانگ^۲ (۱۹۹۷) به منظور بررسی میزان ارتباط و وابستگی میان عوامل استفاده شد. با ارزیابی دانش‌آموختگان مختلف پیش‌دانشگاهی و دانشگاهی مشخص شد که وجود برخی عوامل همچون مواد آموزشی، اساتید، امکانات آموزشی و مشاوره شغلی، از نارضایتی دانشجویان جلوگیری می‌کند و البته وجود آنها تا حد زیادی ممکن است باعث ایجاد انگیزه شود (دشیلدز^۳ و دیگران: ۲۰۰۵). در نمونه‌ای مشابه در تایوان نیز بسیاری از عوامل بهداشتی مطرح‌شده از سوی هرزبرگ نقشی بسیار محرک و انگیزاننده بر مشارکت‌کنندگان داشته‌اند (چنج^۴، ۲۰۰۷).

بنابراین هرچند که بر اساس نظریه هرزبرگ، عوامل بهداشتی یا نگهدارنده صرفاً در کاهش میزان نارضایتی مؤثرند، این تحقیقات مشخص کرد که وجود این عوامل می‌تواند علاوه بر جلوگیری از بروز نارضایتی در ایجاد انگیزه و ارتقای رضایت نیز مؤثر واقع شوند.

۴. روش انجام پژوهش

در این مقاله با استفاده از یک پرسش‌نامه که ابزار این پژوهش بوده است، سؤالاتی درخصوص عوامل نگهدارنده از ۳۰ دانشجوی مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های مازندران و خوارزمی پرسیده شد. دانشجویان از ترم‌های دوم و سوم با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند؛ زیرا معمولاً دانشجویان در یکی دو سال نخست، دچار کاهش انگیزه می‌شوند یا اقدام به تغییر رشته می‌کنند. پس از شرح هدف پژوهش، پرسش‌نامه‌ای شامل ۳۰ سؤال بر مبنای نظریه بهداشتی هرزبرگ و با الهام از نسخه اصلاح‌شده کیونی و یانگ، در ۴ حیطه مواد آموزشی، اساتید، (که خود شامل ۳ حیطه نگرش، رفتار و تدریس بوده است)، مشاوره شغلی و امکانات دانشگاه، بر اساس مقیاس ۵ نمره‌ای لیکرت، با مقیاس کاملاً موافقم، موافقم، نظری

1. Keaveney

2. Young

3. Deshields

4. Cheng

ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم تهیه شده و در اختیار دانشجویان قرار گرفت. با توجه به اینکه سؤالات به شکل مثبت طراحی شدند تا ذهن پاسخ‌دهنده، به سمت منفی گرایش پیدا نکند؛ لذا مقیاس اندازه‌گیری برای تأیید فرضیه، میزان مخالفت بوده‌است. به عبارت دیگر، هرچه درصد مخالفت بالاتر بوده، فرضیه مورد نظر را بیشتر تأیید کرده‌است. سؤالات شامل مواد زیر بوده است: ۶ سؤال مربوط به واحدها و منابع درسی، ۴ سؤال درباره رفتار اساتید، ۴ سؤال درباره کیفیت تدریس اساتید، ۴ سؤال درباره نگرش اساتید نسبت به این رشته، ۶ سؤال درباره مشاوره شغلی و ۶ سؤال درباره امکانات دانشگاهی.

۶ نفر از اساتید محترم گروه عربی در دانشگاه مازندران و خوارزمی روایی پرسش‌نامه را تأیید کردند و پایایی آن نیز با ضریب آلفا کرونباخ ۰/۸۱۲ مورد تأیید قرار گرفته‌است.

۵. یافته‌های پژوهش

ابتدا نرمال بودن توزیع عوامل کاهش انگیزه و متغیر کاهش انگیزه با استفاده از آزمون شاپیرو-ویلک بررسی شده که نتایج آن در جدول ۱ آمده‌است.^۱ برای انتخاب آزمون مناسب جهت تحلیل فرضیه‌ها از این نتایج استفاده شده‌است. چنانچه نتیجه، نرمال بوده مجاز به استفاده از آزمون‌های پارامتری بوده‌ایم و در صورت نرمال نبودن نتیجه، از آزمون‌های ناپارامتری استفاده شده‌است. تنها در دو متغیر رفتار و نگرش اساتید توزیع داده‌ها نرمال نبوده و توزیع سایر متغیرها نرمال بوده‌است.

جدول ۱: آزمون شاپیرو-ویلک برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری	نتیجه
ضعف مواد آموزشی	۰/۹۴۷	۳۰	۰/۱۳۹	نرمال
رفتار اساتید	۰/۸۹۲	۳۰	۰/۰۰۵	غیر نرمال
کیفیت تدریس اساتید	۰/۹۴۲	۳۰	۰/۱۰۴	نرمال
نگرش اساتید	۰/۸۶۶	۳۰	۰/۰۰۱	غیر نرمال

^۱ . در آزمون شاپیرو-ویلک در صورتی که مقدار سطح معنی داری از خطای ۰۰۵ کمتر باشد فرضیه نرمال بودن متغیر رد می‌شود و در غیر این صورت فرضیه نرمال بودن متغیر مورد نظر پذیرفته می‌شود که این نتایج در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد.

مشاوره شغلی	۰/۹۷۴	۳۰	۰/۶۶۵	نرمال
امکانات دانشگاه	۰/۹۷۹	۳۰	۰/۷۹۱	نرمال
کاهش انگیزه	۰/۹۶۲	۳۰	۰/۳۵۳	نرمال

۱-۵. ضعف مواد آموزشی در کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات عربی مؤثر است.

با توجه به جدول ۱، از آزمون پارامتری همبستگی پیرسون برای تحلیل این فرضیه استفاده شده که نتایج حاصل از آن در جدول ۲ آمده است.^۱ مقدار ۰/۷۱۴ ضریب همبستگی نشان‌دهنده ارتباط مستقیم و نسبتاً قوی بین ضعف مواد آموزشی و کاهش انگیزه است.

جدول ۲: آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط ضعف مواد آموزشی و کاهش انگیزه

متغیر	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
ضعف مواد آموزشی	۳۰	۰/۷۱۴	۰/۰۰۰۱
کاهش انگیزه	۳۰		

سؤالاتی که در خصوص مواد آموزشی از دانشجویان پرسیده شد عبارتند از: ۱- واحدهایی که برای رشته عربی ارائه می‌شوند، مناسب و کاربردی است و مهارت‌م را برای یادگیری زبان عربی افزایش می‌دهد. ۲- واحدهای درسی ارائه‌شده برای این رشته، جذاب است و به من انگیزه می‌دهد. ۳- منابعی که برای واحدهای درسی معرفی می‌شوند، متناسب با واحدهای درسی است. ۴- منابع درسی به روز و کاربردی است. ۵- منابع درسی جذاب است. ۶- فهم منابع درسی برایم آسان است و مرا خسته و بی‌انگیزه نمی‌کند.

بررسی مجموع پاسخ‌های دانشجویان برای این سؤالات نشان داده است که حدود ۳۸ درصد از دانشجویان، مخالف یا کاملاً مخالف، ۴۸ درصد موافق یا کاملاً موافق و ۱۴ درصد نظری نداشته‌اند و همانگونه که در قسمت روش پژوهش توضیح داده شد، هرچه درصد مخالفت بالاتر باشد، فرضیه مورد نظر، بیشتر تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که هرچند

^۱ . چنانچه مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ باشد، معنی‌دار بودن ارتباط بین ضعف مواد آموزشی و کاهش انگیزه دانشجویان زبان عربی پذیرفته می‌شود. همچنین نزدیک به ۱- و +۱ بودن مقدار ضریب همبستگی نشان‌دهنده ارتباط قوی بین متغیرها و مثبت بودن آن به معنی رابطه مستقیم آن‌ها است.

منابع و واحدهای مربوط به این رشته از نظر برخی از دانشجویان، جدید، جذاب و کاربردی نبوده و انتظار آنها را برآورده نمی‌سازد، این عامل تأثیر چندانی بر کاهش انگیزه اکثر دانشجویان ندارد؛ زیرا حدود نیمی از آنها از مواد آموزشی راضی بوده‌اند.

جدول ۳- تأثیر مواد آموزشی بر کاهش انگیزه از نظر دانشجویان

کاملاً موافق	۱۱/۳۳۳۳۳۳۳۳
موافق	۳۶/۶۶۶۶۶۶۶۷
بی نظر(نه موافق نه مخالف)	۱۴
مخالف	۲۴/۶۶۶۶۶۶۶۷
کاملاً مخالف	۱۳/۳۳۳۳۳۳۳۳
	۱۰۰

۲-۵. رفتار اساتید در کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات عربی مؤثر است.

با توجه به جدول ۱، برای تحلیل این فرضیه باید از آزمون‌های ناپارامتری استفاده شود که در اینجا آزمون همبستگی اسپیرمن است. مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵ است بنابراین معنی‌دار بودن ارتباط بین رفتار اساتید و کاهش انگیزه دانشجویان، در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. همچنین مقدار ۰.۶۲۴ ضریب همبستگی نشان دهنده ارتباط نسبتاً قوی و مستقیم بین رفتار اساتید و کاهش انگیزه است.

جدول ۴: آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی ارتباط رفتار اساتید و کاهش انگیزه

متغیر	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
رفتار اساتید	۳۰	۰/۶۲۴	۰/۰۰۰۲
کاهش انگیزه	۳۰		

سؤالات مربوط به این فرضیه عبارتند از: ۱- ارتباط اساتید با دانشجو مناسب است و از رفتار آنها راضی هستم. ۲- اساتید از شیوه تشویق استفاده می‌کنند نه تحقیر و تهدید. ۳- اساتید به تواناییهای دانشجو باور دارند. ۴- رفتار اساتید در من اعتماد به نفس ایجاد می‌کند.

نتایج مجموع پاسخ‌های دانشجویان به مؤلفه‌های این فرضیه در جدول زیر آمده‌است. بنابر درصد مخالفت (۴۷.۷۷) می‌توان گفت که رفتار اساتید تقریباً با روحیه نیمی از دانشجویان سازگار نبوده و در کاهش انگیزه آنها مؤثر است.

جدول ۵- تأثیر رفتار اساتید بر کاهش انگیزه از نظر دانشجویان

کاملاً موافق	۲/۲۲۲۲۲۲۲۲
موافق	۳۵/۵۵۵۵۵۵۵۶
بی نظر	۱۴/۴۴۴۴۴۴۴۴
مخالف	۳۵/۵۵۵۵۵۵۵۶
کاملاً مخالف	۱۲/۲۲۲۲۲۲۲۲
	۱۰۰

۵-۳. کیفیت تدریس اساتید در کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات

عربی مؤثر است.

مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ و همچنین مقدار ۰/۵۵۲ ضریب همبستگی نشان می‌دهد که ارتباط نسبتاً قوی بین کیفیت تدریس اساتید و کاهش انگیزه وجود دارد.

جدول ۶: آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط کیفیت تدریس اساتید و کاهش انگیزه

متغیر	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
کیفیت تدریس اساتید	۳۰	۰/۵۵۲	۰/۰۰۲
کاهش انگیزه	۳۰		

سؤالات مربوط به فرضیه فوق عبارتند از: ۱- اساتید دانشجو را در مسائل آموزشی و پژوهشی مربوط به درس شرکت می‌دهند. ۲- اساتید در کلاس به عربی صحبت می‌کنند و از این موضوع راضی هستند. ۳- اساتید از روش‌های نوین برای تدریس استفاده می‌کنند. ۴- اساتید دانشجویان را تشویق می‌کنند که به عربی صحبت کنند.

بر اساس نتایج جدول زیر، مجموع مخالفت ۵۲.۲ درصدی نسبت به موافقت حدود ۳۲ درصدی، ثابت می‌کند که کیفیت تدریس در کاهش انگیزه اکثریت دانشجویان مؤثر است.

جدول ۷- تأثیر کیفیت تدریس بر کاهش انگیزه از نظر دانشجویان

کاملاً موافق	۳/۳۳۳۳۳۳۳۳
موافق	۲۸/۸۸۸۸۸۸۸۹
بی نظر	۱۵/۵۵۵۵۵۵۵۶
مخالف	۴۰
کاملاً مخالف	۱۲/۲۲۲۲۲۲۲۲
	۱۰۰

۴-۵. نگرش اساتید در کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات عربی مؤثر است.

با توجه به جدول ۱، از آزمون ناپارامتری برای بررسی این فرضیه استفاده شده است. مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵ است بنابراین معنی‌دار بودن ارتباط بین نگرش اساتید و کاهش انگیزه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود.

جدول ۸: آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی ارتباط نگرش اساتید و کاهش انگیزه

متغیر	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
نگرش اساتید	۳۰	۰/۴۲	۰/۰۲۱
کاهش انگیزه	۳۰		

سؤالات مربوط به این فرضیه عبارتند از: ۱- اساتید نسبت به این رشته حس خوبی دارند.

۲- اساتید من افراد موفق و توانمند در کار خود هستند. ۳- اساتیدم از اعتماد به نفس بالایی برخوردارند.

۴- اساتیدم معتقدند که این رشته آینده خوبی دارد.

مجموع مخالفت ۲۷ درصدی نشان می‌دهد که علی‌رغم رابطه معنی‌داری که بین نگرش اساتید و کاهش انگیزه وجود دارد، این عامل تأثیر چندانی بر کاهش انگیزه اکثر دانشجویان ندارد. زیرا ۴۸.۸۸ درصد دانشجویان معتقد بوده‌اند که اساتید نگرش خوبی نسبت به این رشته دارند:

جدول ۹: تأثیر نگرش اساتید بر کاهش انگیزه از نظر دانشجویان

کاملاً موافق	۱۰
موافق	۳۸/۸۸۸۸۸۸۹
بی نظر	۲۳/۳۳۳۳۳۳۳
مخالف	۲۶/۶۶۶۶۶۶۷
کاملاً مخالف	۱/۱۱۱۱۱۱۱
	۱۰۰

۵-۵. عدم مشاوره شغلی در کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات عربی مؤثر است.

مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵، معنی‌دار بودن همبستگی بین عدم مشاوره شغلی و کاهش انگیزه دانشجویان را نشان می‌دهد. همچنین مقدار ۰.۷۰۴ ضریب همبستگی نشان‌دهنده ارتباط قوی بین عدم مشاوره شغلی و کاهش انگیزه دانشجویان است.

جدول ۱۰: آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط عدم مشاوره شغلی و کاهش انگیزه

متغیر	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
عدم مشاوره شغلی	۳۰	۰/۷۰۴	۰/۰۰۰۱
کاهش انگیزه	۳۰		

سؤالات مطرح‌شده برای این موضوع عبارتند از: ۱- اساتید برای کشف استعدادها و دانشجویان تلاش کرده و آنها را به فعالیت در زمینه مناسب تشویق می‌کنند. ۲- برنامه‌های مناسبی جهت آشنایی با مشاغل مربوط به رشته‌ام در دانشگاهم تشکیل می‌شود. ۳- دانشگاه برای آینده فارغ التحصیلان این رشته برنامه‌ریزی می‌کند و به آنها مشاوره شغلی می‌دهد.

سنجش ارتباط عوامل نگهدارنده با کاهش انگیزه... زهرا مهدوی مهر، عبدالله حسینی، سید عدنان اشکوری

۴- فارغ التحصیلانی که از این رشته می‌شناسم از رشته خود راضی بوده و با مشاوره و هدایت مناسب، کار خوبی پیدا کرده‌اند. ۵- در دانشگاه من از فارغ‌التحصیلان رشته عربی برای استخدام و فعالیت استقبال می‌شود. ۶- اساتید و دانشگاه به دانشجو کمک می‌کنند تا شغل مناسب پیدا کند.

با توجه به نتایج زیر، حدود ۵۸ درصد دانشجویان مخالف و تنها ۲۳ درصد موافق سؤالات بوده‌اند. لذا درصد مخالفت بالا نسبت به درصد موافقت، فرضیه مورد نظر را تأیید کرده و نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان به دلیل عدم مشاوره شغلی مناسب دچار کاهش انگیزه می‌شوند.

جدول ۱۱- تأثیر عدم مشاوره شغلی بر کاهش انگیزه از نظر دانشجویان

کاملاً موافق	۳/۸۰۹۵۲۳۸۱
موافق	۲۰/۴۷۶۱۹۰۴۸
بی نظر	۱۷/۶۱۹۰۴۷۶۲
مخالف	۳۹/۵۲۳۸۰۹۵۲
کاملاً مخالف	۱۸/۵۷۱۴۲۸۵۷
	۱۰۰

۵-۶. ضعف امکانات دانشگاهی در کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات عربی مؤثر است.

مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ و مقدار ۰.۷۲۱ ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین نامناسب بودن امکانات دانشگاه و کاهش انگیزه دانشجویان ارتباط مستقیم وجود دارد. جدول ۱۲: آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط ضعف امکانات دانشگاهی و کاهش انگیزه

متغیر	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
ضعف امکانات دانشگاهی	۳۰	۰/۷۲۱	۰/۰۰۰۱
کاهش انگیزه	۳۰		

سؤالات این فرضیه عبارتند از: ۱- از رفتار کارکنان دانشگاه راضی هستم. ۲- امکانات رفاهی از قبیل ورزشی، خوابگاه، سرویس و.. در دانشگاهم مناسب است. ۳- از فضا و امکانات کلاسها

راضیم، ۴- محیط و فضای دانشگاهم زیبا و مناسب است. ۵- از کتابخانه دانشگاه راضی‌ام و نیازهای مرا برطرف می‌کند. ۶- از سایت دانشگاه راضیم و نیازهای مرا برطرف می‌کند. میزان موافقت بالای ۶۶ درصد در مقایسه با مخالفت ۲۲ درصدی نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود رابطه معنی‌دار بین امکانات دانشگاه و کاهش انگیزه، این عامل تأثیر زیادی بر کاهش انگیزه اکثریت دانشجویان ندارد.

جدول ۱۳. تأثیر ضعف امکانات دانشگاه بر کاهش انگیزه از نظر دانشجویان

کاملاً موافق	۱۶/۶۶۶۶۶۶۶۷
موافق	۵۰/۵۵۵۵۵۵۵۶
بی نظر(نه موافق نه مخالف)	۹/۴۴۴۴۴۴۴۴
مخالف	۲۱/۶۶۶۶۶۶۶۷
کاملاً مخالف	۱/۶۶۶۶۶۶۶۷
	۱۰۰

۶. مقایسه داده‌ها

در این بخش با استفاده از آزمون ناپارامتری کروسکال والیس به طور همزمان عوامل کاهش انگیزه مقایسه شده است.^۱ از آن جایی که مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ است، فرضیه معنی‌دار بودن تفاوت بین عوامل پذیرفته می‌شود، یعنی حداقل یکی از عوامل نسبت به سایر عوامل تأثیرگذاری بیشتری بر کاهش انگیزه دانشجویان زبان عربی دارد.

جدول ۱۴: آزمون کروسکال والیس برای رتبه بندی عوامل اثرگذار بر کاهش انگیزه

متغیر	میانگین رتبه	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری
ضعف مواد آموزشی	۸۱/۱۵۰	۴۹/۲۵۸	۵	۰/۰۰۰۱
رفتار اساتید	۱۰۰/۱۲۰			
کیفیت تدریس اساتید	۱۱۴/۱۸۰			

^۱ . دلیل استفاده از آزمون ناپارامتری کروسکال والیس این است که مطابق جدول ۱ حداقل یکی از عوامل از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند.

			۷۰/۴۷۰	نگرش اساتید
			۱۲۹/۰۳۰	عدم مشاوره شغلی
			۴۸/۰۵۰	ضعف امکانات دانشگاهی

نتایج میانگین رتبه جدول فوق نشان می‌دهد که به ترتیب: عدم مشاوره شغلی، کیفیت تدریس، رفتار اساتید، مواد آموزشی، نگرش اساتید و امکانات دانشگاه بر کاهش انگیزه دانشجویان تأثیرگذارند. درصدهای به دست آمده از مجموع پاسخ‌های دانشجویان نیز این مطلب را تأیید کرده‌است. زیرا درصد مخالفت برای عوامل فوق به ترتیب: ۵۲.۲، ۴۷.۸، ۳۸، ۲۷.۸ و ۲۳.۴ درصد بوده‌است:

جدول ۱۵- رتبه بندی عوامل تأثیرگذار بر کاهش انگیزه از نظر دانشجویان

امکانات دانشگاه	نگرش اساتید	مواد آموزشی	رفتار اساتید	کیفیت تدریس اساتید	مشاوره شغلی	نظر دانشجو
۱۶/۷	۱۰/۰	۱۱/۳	۲/۲	۳/۳	۳/۸	کاملاً موافق
۵۰/۶	۳۸/۹	۳۶/۷	۳۵/۶	۲۸/۹	۲۰/۵	موافق
۹/۴	۲۳/۳	۱۴/۰	۱۴/۴	۱۵/۶	۱۷/۶	بی نظر
۲۱/۷	۲۶/۷	۲۴/۷	۳۵/۶	۴۰/۰	۳۹/۵	مخالف
۱/۷	۱/۱	۱۳/۳	۱۲/۲	۱۲/۲	۱۸/۶	کاملاً مخالف

برای بررسی دقیق این رتبه‌بندی و این‌که تفاوت میزان اثرگذاری این عوامل به طور دقیق‌تر چقدر است، با استفاده از آزمون ناپارامتری من-ویتنی، این عوامل به صورت دو به دو، با هم مقایسه شده‌اند.^۱ نتایج جدول ۱۶ نشان می‌دهد که عوامل «عدم مشاوره شغلی»، «کیفیت تدریس»

^۱ اگر در مقایسه دو عامل، مقدار سطح معنی داری کمتر از مقدار ۰.۰۵ باشد فرضیه برابر بودن اثرگذاری آن دو عامل بر کاهش انگیزه رد می‌شود یعنی آن دو عامل دارای اثرگذاری متفاوتی روی کاهش انگیزه هستند، در این حالت با مشاهده ستون مربوط به میانگین رتبه در آن مقایسه‌عاملی که دارای میانگین رتبه بیشتر است اثرگذاری بیشتری روی کاهش انگیزه دارد. اما در صورتی که در مقایسه دو عامل مقدار سطح معنی داری بیشتر از مقدار

و «رفتار اساتید» دارای تأثیرگذاری نزدیک به هم هستند. به عبارت دیگر هرچند که آمارهای توصیفی و داده‌های مربوط به پاسخ‌ها نشان می‌دهند که عدم مشاوره شغلی بیشترین تأثیرگذاری را بر کاهش انگیزه دارد، اما نتایج جدول ۱۶ ثابت می‌کند که دو عامل «کیفیت تدریس» و «رفتار اساتید» با فاصله بسیار اندک نسبت به عامل اول، درجه اهمیت بالایی دارند و به عبارت دیگر این سه عامل تقریباً از تأثیرپذیری یکسان و برابر در کاهش انگیزه برخوردارند.

جدول ۱۶: آزمون من-ویتنی برای مقایسه دو به دو و میزان تفاوت دقیق اثرگذاری عوامل مؤثر بر کاهش انگیزه

شماره مقایسه	متغیر	میانگین رتبه	آماره آزمون	سطح معنی داری
۱	ضعف مواد آموزشی رفتار اساتید	۲۷/۲۸ ۳۳/۷۲	۳۵۳/۵	۰/۱۵۲
۲	ضعف مواد آموزشی کیفیت تدریس	۲۵/۴۰ ۳۵/۶۰	۲۹۷	۰/۰۲۳
۳	ضعف مواد آموزشی نگرش اساتید	۳۱/۴۰۰ ۲۹/۶۰۰	۴۲۳	۰/۶۸۸
۴	ضعف مواد آموزشی عدم مشاوره شغلی	۲۳/۲۷ ۳۷/۷۳	۲۳۳	۰/۰۰۱
۵	ضعف مواد آموزشی ضعف امکانات	۳۵/۸ ۲۵/۲	۲۹۱	۰/۰۱۹
۶	رفتار اساتید کیفیت تدریس	۲۸/۷ ۳۲/۳	۳۹۶	۰/۴۱۹
۷	رفتار اساتید نگرش اساتید	۳۴/۴۲ ۲۶/۵۸	۳۳۲/۵	۰/۰۷۶

۰۰۵ باشد فرضیه برابر بودن اثرگذاری آن دو عامل بر کاهش انگیزه پذیرفته می‌شود، یعنی آن دو عامل با سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای اثرگذاری برابری روی کاهش انگیزه هستند.

۰/۱۲۶	۳۴۷	۲۷/۰۷ ۳۳/۹۳	رفتار اساتید عدم مشاوره شغلی	۸
۰/۰۰۱	۲۱۸/۵	۳۸/۲۲ ۲۲/۷۸	رفتار اساتید ضعف امکانات	۹
۰/۰۰۰۱	۱۸۹	۳۹/۲ ۲۱/۸	کیفیت تدریس نگرش اساتید	۱۰
۰/۱۹۶	۳۶۳	۲۷/۶ ۳۳/۴	کیفیت تدریس عدم مشاوره شغلی	۱۱
۰/۰۰۰۱	۱۲۰/۵	۴۱/۴۸ ۱۹/۵۲	کیفیت تدریس ضعف امکانات	۱۲
۰/۰۰۰۱	۹۶	۱۸/۷ ۴۲/۳	نگرش اساتید عدم مشاوره شغلی	۱۳
۰/۰۱۸	۲۹۱/۵	۳۵/۷۸ ۲۵/۲۲	نگرش اساتید ضعف امکانات	۱۴
۰/۰۰۰۱	۵۵	۴۳/۶۷ ۱۷/۳۳	عدم مشاوره شغلی ضعف امکانات	۱۵

۷. نتیجه‌گیری و راه‌کارها

تحلیل‌های آماری انجام شده در این پژوهش برای بررسی میزان تأثیر عوامل نگهدارنده بر کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات عربی طبق نظریه هرزبرگ نشان داده‌است که میان هر کدام از این عوامل یعنی ضعف مواد آموزشی، رفتار اساتید، نگرش اساتید، کیفیت تدریس، عدم مشاوره شغلی و ضعف امکانات دانشگاهی، با کاهش انگیزه، رابطه معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر یک از عوامل فوق به تنهایی بر کاهش انگیزه دانشجویان تأثیرگذار است.

تحلیل و بررسی مقایسه‌ای این عوامل نشان داده که «عدم مشاوره شغلی مناسب» بیشترین اثرگذاری را بر کاهش انگیزه داشته و کمترین اثرگذاری مربوط به عامل «ضعف امکانات

دانشگاهی» بوده است. علاوه بر آن، مقایسه دو به دوی عوامل نشان داده است که دو عامل «کیفیت تدریس» و «رفتار اساتید» تفاوت بسیار ناچیزی نسبت به عامل «مشاوره شغلی» دارند و به طور تقریبی می توان گفت که از تاثیرگذاری یکسانی بر کاهش انگیزه برخوردارند. بنابراین با توجه به یافته های این پژوهش، مهمترین علل نگهدارنده ای که سبب افزایش نارضایتی و به عبارت دیگر کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات عربی می شوند عبارتند از: عدم مشاوره شغلی مناسب، کیفیت تدریس و رفتار اساتید.

با توجه به نتایج به دست آمده، راه کارهای زیر برای جلوگیری از کاهش انگیزه دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات عربی به گروه های محترم این رشته توصیه می شود:

اساتید محترم با بالابردن نگرش مثبت خود نسبت به این رشته و روابط بهتر با دانشجو، به کیفیت تدریس خود اهتمام بیشتری مبذول دارند؛ از روش های نوین تدریس استفاده نمایند؛ از منابع و ابزار آموزشی جدید و جذاب برای واحدهای درسی ارائه شده استفاده کرده و تنها به برخی منابع و روش های قدیمی و تکراری بسنده نکنند؛ در ارائه واحدها، بازننگری صورت گرفته و واحدهای کاربردی تر در ترم های پایین تر ارائه شوند؛ با توجه به این که این رشته، دامنه دار و گسترده است، استعداد های دانشجو را با توجه به علایق وی شناسایی نموده و او را در موضوعات آموزشی و پژوهشی مربوط به همان زمینه مشارکت دهند؛ از آن جا که فعالیت شغلی مناسب، تقریباً برای همه دانشجویان مهم است، دانشگاه و اساتید، با توجه به استعدادها و علایق دانشجو مشاوره شغلی مناسب به وی ارائه دهند تا بداند با تحصیل در این رشته در چه مکان هایی می تواند فعالیت نماید. استفاده از فارغ التحصیلان موفق این رشته جهت انجام فعالیت های علمی و پژوهشی و برگزاری کارگاه های علمی نیز در افزایش انگیزه دانشجویان مؤثر است.

فهرست منابع

الف) فارسی و عربی

۱. کتاب‌ها

- براون، اچ. داگلاس (۱۳۹۲)، اصول یادگیری و آموزش زبان، مترجم: دکتر منصور فهیم، تهران، نشر رهنما. چاپ دوم، ویراست پنجم.
- رضائیان، علی (۱۳۸۹)، مبانی مدیریت رفتار سازمانی. انتشارات سمت، چاپ دهم
- ژریار، دنی (۱۳۶۵). زبان‌شناسی کاربردی و علم آموزش زبان. ترجمه گیتی دیهم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مذكور، علي، رشدي طعيمة، إيمان أحمد هريدي (۲۰۱۰). المرجع في مناهج تعليم اللغة العربية للناطقين بلغات أخرى، القاهرة، دار الفكر العربي، الطبعة الأولى
- مشکوة الدينی، مهدی (۱۳۸۱) سیر زبان شناسی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ سوم.
- یول، جورج (۱۳۹۵)، مطالعه و بررسی زبان، مترجم: علی بهرامی، تهران، انتشارات رهنما، چاپ اول، ویراست پنجم

۲. مجلات

- اعتباریان، اکبر و مهناز کشتکار رجبی (۱۳۹۷)، «بررسی و نقد فلسفی نظریه دو عاملی فردریک هرزبرگ از دیدگاه نمادین - تفسیری»، فصلنامه مطالعات مدیریت، سال ۲۷، شماره ۸۹، ۱۱۹-۱۴۴
- حسن زاده، رمضان و گلین مهدی نژاد گرجی (۱۳۹۳)، «رابطه بین جهت‌گیری‌های انگیزشی (درونی، بیرونی، و بی‌انگیزشی) و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی». فصلنامه روان‌شناسی مدرسه، دوره ۳، شماره ۳، پاییز، صص ۳۸-۶۰.
- الخوالده، محمد علی و آخرون (۲۰۱۴)، «دافعية تعلم اللغة العربية لدى الناطقين بغيرها في الأردن وعلاقتها ببعض المتغيرات»، المجلة الأردنية في العلوم التربوية، المجلد ۱۰، العدد ۲، صص ۲۰۴-۱۹۱.
- رسولی، حجت (۱۳۸۴). «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران (مبانی تعریف گرایشها)». مجله پژوهشنامه علوم انسانی. دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۷-۴۸، صص ۴۳-۵۸.
- صدقی، حامد و دیگران، (۱۳۹۲ش)، «بایستگی‌ها در تولید بسته‌های آموزشی مهارت‌های زبانی برای گویشوران زبان دوم»، فصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»، شماره ۲۹، تابستان، صص ۴۳-۶۵.

عسگریان، مصطفی و شادی باقری (۱۳۹۱)، «بررسی انگیزش شغلی اعضای هیأت علمی معاونت آموزشی ناجابر اساس نظریه دو عاملی هرزبرگ»، فصلنامه مدیریت انتظامی، سال هفتم، شماره اول، صص ۷-۳۹.

- عموزاد مهدیرجی، حنان و سید حسین رضوی حاجی آقایی (۱۳۸۹)، «نظریه دو عاملی هرزبرگ. معتبر یا بی اعتبار»، مجله تدبیر، شماره ۲۱۸، صص ۲۹-۳۲

- گرجیان، بهمن (۱۳۷۲). «نقش انگیزش در فرایند آموزش و یادگیری زبان انگلیسی». مجله رشد آموزش زبان. ش ۲۹

- گلچین، ماهرخ؛ اعظم قربانی (۱۳۷۵)، «بررسی تئوری بهداشتی- انگیزشی هرزبرگ»، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۱۰۸-۱۱۴

ب) انگلیسی

-Cheng.C. W. (2007) , A Research Study OF Fredrick Herzbergs Motivator Hygiene Theory On Continuing Education Participants In Taiwan Journal of American Academy of Business, vol. 12, no.1, pp.186-195

-Dornyei, Z. (2006). "Creating a motivating classroom environment." In J Cummins and C Davison (Eds) The Handbook of English Language Teaching . New York: Springer

-Dornyei, Z. and Csizer, K. (1998). "Ten commandments for motivating language Learners : results of an empirical study". Language Teaching Research,2

-Deshields. o.w, Kara. A., .Kaynak.E. ,(2005). Determinants of Business student Satisfaction And Retention in Higher education: Applying Herzbergs Two Factor Theory. International Journalof Education Management. Vol.19, no. 2, Pp. 128-139

-Gardner, R. C. & Lambert, W. E. (1972). Attitudes and motivation in second language learning. Newbury House: Rowley. MA

تقييم العلاقة بين العوامل الحافظة وانخفاض دوافع طلاب اللغة العربية وآدابها في

مرحلة البكالوريوس على أساس نظرية هرتسبرغ

نوع المقالة: أصيلة

زهرا مهدوي مهر¹، عبدالله حسيني²، سید عدنان اشکوري³

١. طالبة دكتوراه في اللغة العربية وآدابها بجامعة خوارزمي، طهران

٢. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة خوارزمي، طهران

٣. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة خوارزمي، طهران

الملخص

تُعَدُّ نظرية هرتسبرغ ذات العاملين الصحي-التحفيزي من أهمّ النظريات في مجال الدافع. وفقاً لهذه النظرية، تؤدي العوامل المحفزة إلى زيادة نسبة الدوافع، لكن العوامل الحافظة لا تؤدي إلا إلى تقليل عدم الرضا وقد لا يؤدي وجودها إلى زيادة الحوافز. يهدف هذا المقال إلى دراسة العلاقة بين العوامل الصحية أو الحافظة وانخفاض مستوى الدوافع عند طلاب اللغة العربية وآدابها في مرحلة البكالوريوس على أساس نظرية هرتسبرغ. تشمل العوامل الحافظة في مجال التعليم: المواد التعليمية؛ والأساتذة؛ والإرشاد المهني المناسب؛ والإمكانيات الأكاديمية. إنجاز هذه الدراسة، تم اختيار ٣٠ طالباً من طلاب الفصلين الثاني والثالث من مرحلة البكالوريوس في اللغة العربية وآدابها في جامعة مازندران وجامعة الخوارزمي وفقاً للنظام العنقودي- العشوائي. تكون الاستبيان من ٣٠ سؤالاً مرتبطاً بالعوامل المذكورة. وقد سارت الدراسة وفقاً للمنهج الوصفي-التحليلي. وتم تحليل المعطيات باستخدام اختبار بيرسون الارتباطي، واختبار آخر من- فيتني للمقارنة، واختبار كروسكال واليس في برنامج SPSS. وتشير النتائج إلى وجود علاقة معنوية وإحصائية بين جميع العوامل المذكورة وانخفاض الدوافع لدى الطلاب، ومن بين هذه العوامل، يُعَدُّ عامل "عدم الإرشاد الوظيفي المناسب" أكثر العوامل تأثيراً وعامل "ضعف الإمكانيات الأكاديمية" أقل العوامل تأثيراً في الحدّ من الدوافع لدى الطلاب.

الكلمات الرئيسية: انخفاض الدافع، نظرية هرتسبرغ، طلاب اللغة العربية وآدابها في مرحلة البكالوريوس،

الإرشاد المهني، الإمكانيات الأكاديمية.

